

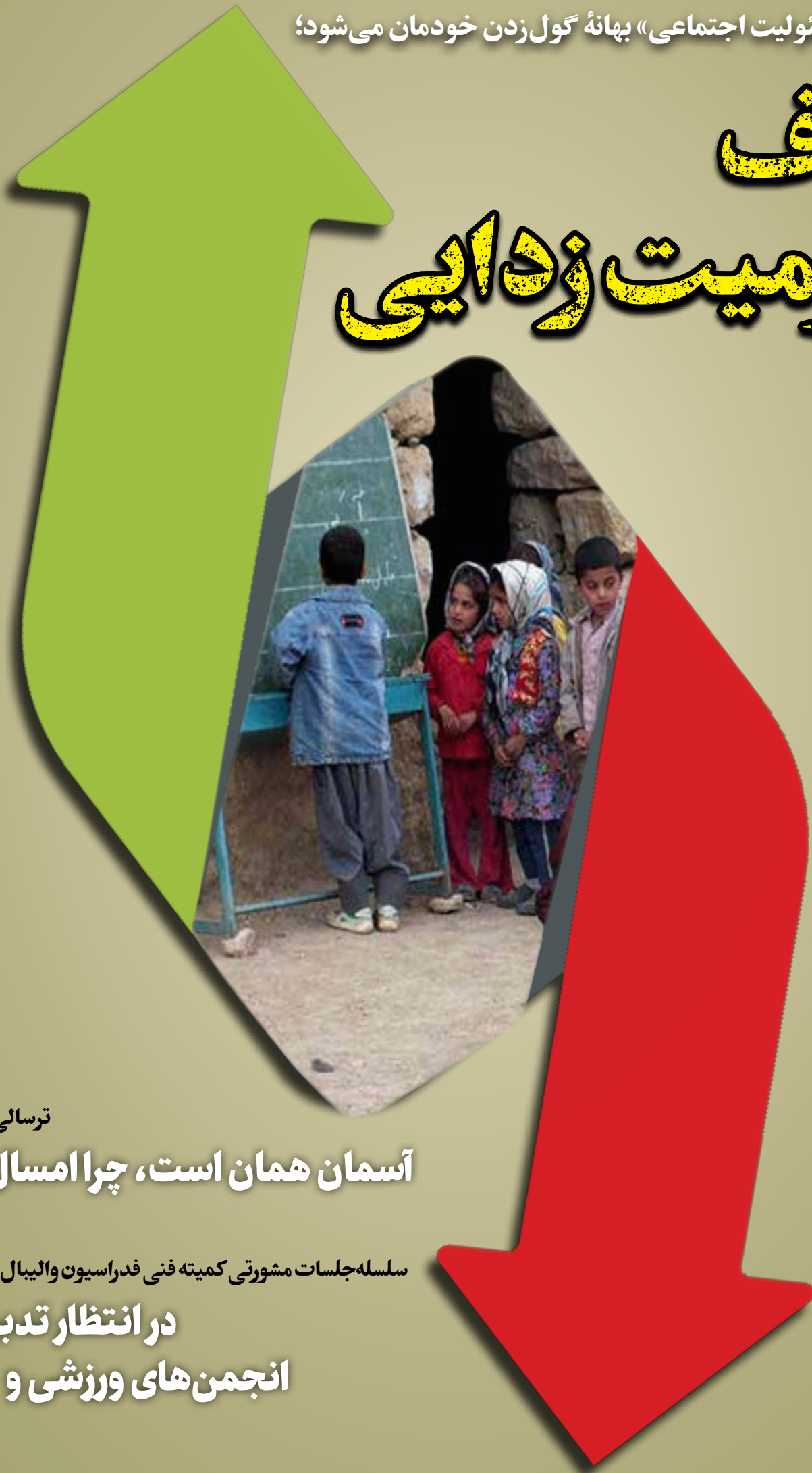
تأملاتی بر فیلم «بلفاست»؛

تکه‌هایی از یک
کل نامنسجم



وقتی رنگ و لعاب «مسئولیت اجتماعی» بهانه‌گول‌زدن خودمان می‌شود؛

شوآف محرومیت‌زدایی



ترسالی ایران کجارت؛

آسمان همان است، چرا امسال نبارید؟

سلسله‌جلسات مشورتی کمیته فنی فدراسیون والیبال را پایانی نیست؟

در انتظار تدبیر و امید!

انجمن‌های ورزشی و مسئولان



مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران:

۱۲ میلیون نفر رایگان بیمه هستند

مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران گفت: در دولت سیزدهم ۱۲ میلیون نفر رایگان تحت پوشش بیمه سلامت قرار گرفتند و ۹۵ درصد هزینه‌های بستری درمانی آن‌ها رایگان است. به گزارش «دنیایکسوادار» به نقل از ایرنا، محمد مهدی ناصحی روز گذشته در حاشیه بازدید از نمایشگاه مطبوعات در جمع خبرنگاران افزود: سازمان بیمه سلامت در دولت سیزدهم گام‌های مهمی در بحث سیاست‌گذاری، اجرایی و تامین منابع برداشته و اکنون ۴۵ میلیون نفر تحت پوشش بیمه سلامت هستند و از این تعداد زیر چتر حمایت صندوق بیمه همگانی با پوشش ۱۷ میلیون نفر هستند.

وی با بیان اینکه در مراکز دولتی صد در صد هزینه‌ها برای مددجویان کمیته امداد و بهزیستی رایگان است، افزود: ۲ میلیون بیمار سرطانی، مزمن، اعصاب و روان و غیره در صندوق حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج نشان‌دار شدند و هفت هزار میلیارد ریال بودجه این صندوق است.

وی با اشاره به پوشش ۹۸ درصدی نسخه نویسی الکترونیک، تصریح کرد: بسیاری از بیمارهای توانبخشی تحت پوشش بیمه پایه قرار گرفته، و توجه ویژه‌ای به بیماران اوتیسم داشته و هزینه‌های درمانی را حتی در بخش خصوصی پرداخت می‌کنیم.

ناصری تصریح کرد: سالانه ۲ هزار میلیارد ریال برای درمان زوجین نابارور هزینه می‌کنیم و هزینه‌های درمانی مادران باردار نیز رایگان است.

وی با اشاره به کاهش خطای نسخه نویسی الکترونیک، تصریح کرد: ثبت شیرخشک در سامانه تی‌تک نیز با همکاری سازمان بیمه سلامت انجام می‌شود و از ماه آینده با دستور سازمان غذا و دارو با ارایه کد ملی شیرخشک عرضه می‌شود.

۹۸ درصد خون‌های اهدایی در ایران تبدیل به فرآورده می‌شود

معاون فنی سازمان انتقال خون ایران تأمین فرآورده از خون در کشورمان را ۹۸ درصد عنوان کرد و گفت: بالاترین کشورها توانسته‌اند حدود ۹۷ درصد از خون را به فرآورده‌های مورد نیاز خونی تبدیل کنند.

عباداله سالک مقدم در حاشیه بازدید از نمایشگاه مطبوعات با اشاره به راه اندازی آزمایش NAT در کشور، گفت: سازمان انتقال خون همواره از بهترین آزمایش‌ها برای غربالگری خون‌های اهدایی استفاده می‌کرده و رتبه کشورمان در حوزه انتقال خون در سطح بین‌الملل، بالا و برتر است و با راه اندازی آزمایش NAT دقت در تشخیص در ایران افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه اهداکنندگان خون هیچ‌گاه سازمان انتقال خون ایران را تنها نگذاشته و نخواهند گذاشت، افزود: با وجود همه کمبودها، جایگاه سازمان انتقال خون کشورمان در سطح دنیا در زمینه‌های اهدای خون داوطلبانه و امنیت خون، بالاست.

معاون سازمان انتقال خون ایران از پلاسما به عنوان منشا ساخت برخی داروها یاد کرد و گفت: حدود ۲۰ نوع دارو از جمله فاکتور، آلبومین و IVIG از پلاسما خون ساخته می‌شود بنابراین اهمیت فرآورده‌های خونی بسیار بالاست.



یاد و خاطره شهدا، به‌ویژه «شهید محمدجعفر هاشمی گلپایگانی» که ۱ بهمن ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرمای باد.

خبری

بهداشت

«رئیس سازمان غذا و دارو» خبر داد؛

شیرخشک یارانه‌ای فقط برای کودکان زیر ۲ سال



رئیس سازمان غذا و دارو تأکید کرد: عرضه شیرخشک برای کودکان زیر ۲ سال در داروخانه‌ها مشمول یارانه است و مردم پول اضافه پرداخت نمی‌کنند.

حیدر محمدی اظهار داشت: از ۲۵ آبان ماه سال جاری سیاست ارزی شیرخشک به ارز ترجیحی منتقل شد و مابه‌التفاوت افزایش آن را از طریق بیمه پوشش داده ایم.

معاون وزیر بهداشت افزود: البته افراد برای استفاده از یارانه آن باید حتماً شیرخشک را از داروخانه و با ارایه کد ملی کودک زیر ۲ سال دریافت کنند.

به گفته محمدی، از زمان اجرای طرح دارویار با کمک نظام بیمه‌ای اجازه افزایش پرداختی از جیب مردم ندادیم و شیرخشک را از کانال بیمه‌ای انجام می‌دهیم. وی با بیان اینکه حدود سه میلیون دز واکسن‌های روتاویروس و پنوموکوک به کشور وارد می‌کنیم، تصریح کرد: قرار است بزودی شرکتهای دانش بنیان این واکسن‌ها را با توجه به اهمیت آن در کشور تولید کنند.

رئیس سازمان غذا و دارو از تدوین آیین‌نامه داروسازی درب منزل با محوریت نسخه الکترونیک و ارایه خدمات غیرحضوری عرضه دارو در یکماه اخیر با استفاده از نظرات ذینفعان خبر داد و گفت: از یک هفته قبل نیز این آیین‌نامه برای استفاده از نظرات متخصصان حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و در

روزهای آینده این آیین‌نامه ابلاغ می‌شود تا مردم از خدمات ارسال غیرحضوری دارو بهره‌مند شوند.

وی با تأکید بر اهمیت تفکیک بین فروش اینترنتی دارو و داروسازی درب منزل، گفت: فروش اینترنتی دارو به معنی مراجعه مردم به فضای اینترنت برای تهیه داروست اما داروسازی درب منزل این گونه است که افراد با ارائه کد رهگیری نسخه می‌توانند داروی خود را درب منزل تحویل بگیرند که این کار با استفاده از ظرفیت سکوهای اینترنتی قابل انجام

است. معاون وزیر بهداشت با بیان اینکه بخش مهمی از مشکلات ارزی برای تأمین دارو با همکاری نزدیک بانک مرکزی، برطرف شده است، افزود: امیدواریم نیازهای صنعت و تولیدکنندگان دارو در زمینه نقدینگی با کمک بانک‌های عامل تأمین شود. همچنین حمایت و تعهدات سازمان‌های بیمه‌گر از طریق تقویت پوشش بیمه‌ای داروها و پرداختی بهنگام این سازمان‌ها می‌تواند به کاهش پرداختی از جیب مردم منجر شود.

«رئیس سازمان ملی مهاجرت» تأکید کرد؛

حوادث اخیر، مهرتأییدی بر جدیت در مواجهه با اتباع غیرمجاز

هزار نفر ثبت نام شده و کارت دریافت می‌کنند. او تأکید کرد: این کارت دارای الزامات مختلف است و با اتصال به بانک و سامانه سیمکارتی می‌توان انواع خدمات را برای مهاجرین ارائه داد که می‌تواند منشا جلوگیری از بسیاری از تخلفات باشد.

تسهیل سرمایه‌گذاری اتباع خارجی

رئیس سازمان ملی مهاجرت درباره اصلاح قانون برای سرمایه‌گذاری اتباع خارجی نیز تأکید کرد: لازمه سرمایه‌گذاری دریافت شاخص‌های هویتی مانند کارت هوشمند است، اما خوشبختانه شرایط برای فعالیت اقتصادی و ساماندهی مالی اتباع فراهم شده است. مبینی ادامه داد: موضوع سرمایه‌گذاری اتباع خارجی از اولویت‌های دولت در مسیر ساماندهی مالی و اقتصادی است که یکی از آن‌ها ارائه خدمات بانکی و جلوگیری از ورود سرمایه‌های خرد اتباع به بازارهای موازی مانند طلا، سکه و ارزهای خارجی است.

وی فراهم شدن تشکیل حساب‌های بانکی را مهم‌ترین راهکار دانست و افزود: اکنون تمامی اتباع خارجی که کارت هوشمند دریافت کردند می‌توانند همانند دیگر شهروندان حساب‌های بانکی باز کنند. رئیس سازمان ملی مهاجرت در پاسخ به سوال وجود امکان خرید ملک برای اتباع خارجی گفت: طبق قانون این امکان برای اتباع خارجی وجود ندارد و خرید و فروش املاک برای تمامی اتباع خارجی ممنوع است. به گفته مبینی مبنی معاملات ملک برای اتباع نیازمند تغییر قانون است و در حال حاضر قانون‌گذار چنین برنامه‌ای ندارد.

طرد بیش از یک میلیون تبعه غیرمجاز

رئیس سازمان ملی مهاجرت با تأکید بر اجرای برنامه ساماندهی اتباع، گفت: از ابتدای امسال بیش از یک میلیون مهاجر غیرمجاز از کشور اخراج شده‌اند. وی خاطر نشان کرد: برای مقابله با افرادی که به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند، نیز تصمیماتی اتخاذ شده است.

به گفته مبینی در حال حاضر سه میلیون و ۵۰۰ هزار اتباع خارجی با ملیت‌های مختلف در کشور به صورت مجاز ساکن هستند که دارای کارت شناسایی اند. وی به بیان جزئیات بیشتر آمار اتباع خارجی پرداخت و گفت: از این تعداد حدود ۶۷۰ هزار نفر دانش‌آموز، ۱۷۰ هزار نفر دانشجو و حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز کودک هستند.

رئیس سازمان ملی مهاجرت به جمعیت حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری زنان نیز در میان اتباع خارجی اشاره کرد و افزود: آمار ذکر شده جمعیتی با سن ۱۲ تا ۳۵ سال هستند که جوان و در کشور مشغول فعالیت هستند.

مبینی همچنین در پاسخ به موضوع ساماندهی کارت‌های هوشمند اتباع خارجی نیز توضیح داد: این کارت‌ها مبنای هویتی داشته و نسبت به کارت‌های شناسایی گذشته تفاوت‌های فاحشی دارند. به گفته او، از مهم‌ترین مزیت کارت‌های هوشمند می‌توان به بهره‌مندی اتباع از برخی خدمات شهروندی همچون خدمات بانکی، استفاده از سیم کارت‌های مخابراتی و همچنین خدمات بهداشتی و درمانی اشاره کرد که با کارت‌های شناسایی سابق امکان پذیر نبود.

وی ادامه داد: کارت‌های هوشمند به مثابه کارت ملی برای اتباع خارجی خواهد بود و با استفاده از این کارت می‌توان فعالیت اقتصادی و اجتماعی این افراد را ساماندهی کرد.

رئیس سازمان ملی مهاجرت با بیان اینکه تاکنون برای ۲ میلیون نفر از اتباع، کارت هوشمند صادر شد، افزود: کندی صدور این کارت‌ها به دلیل محدودیت در سامانه‌های بانکی است که امیدواریم هرچه زودتر این محدودیت‌ها رفع شود. مبینی صدور کارت هوشمند را فقط برای اتباع مجاز و قانونی دانست و ادامه داد: در حال حاضر ۷۵ هزار نفر از اتباع در نوبت ثبت نام برای دریافت کارت هوشمند هستند و به طور متوسط روزانه حدود ۳۰ تا ۴۰



رضا غلامی

رئیس سازمان ملی مهاجرت با اشاره به حوادث کرمان و شاهچراغ تأکید کرد: جریان حوادث به ما نشان داد که نباید در موضوع اتباع خارجی غیر مجاز اغماض کرد و عزم ما بر بازگرداندن تمامی آن‌ها است. عبدالله مبینی روز گذشته در میزگرد پرسش و پاسخ در موضوع وضعیت اتباع خارجی غیرمجاز مقیم کشور تأکید کرد: به طور جد با اتباع غیرمجاز برخورد خواهیم کرد و حتی حضور یک نفر را بر نمی‌تابیم. وی افزود: حوادث شاهچراغ و کرمان نشان داد نباید اغماض کنیم و به سازمان‌های بین‌المللی هم اعلام کردیم که تمامی اتباع خارجی غیر مجاز باید از کشور خارج شوند و به طور قاطع با حضور این افراد برخورد خواهیم کرد.

به گفته او، متأسفانه حوادث تلخی توسط اتباع خارجی رخ داد و زخم‌های عمیقی از سوی این افراد به کشور وارد شد، بنابراین عزم راسخ ما بر بازگرداندن تمامی اتباع خارجی غیرمجاز است و در این باره برای هیچ گروهی تفاوت قائل نخواهیم شد.

سه میلیون و ۵۰۰ هزار اتباع خارجی مجاز در کشور رئیس سازمان ملی مهاجرت درباره آمار مهاجران و اتباع خارجی گفت: در آمار اتباع خارجی تغییری را شاهد نیستیم و حتی حدود نیم میلیون نفر نیز برای بازگشت خود را معرفی کردند که پس از ارجاع به مرزبانی به کشورهای متبوع خود منتقل شدند.

اجرای طرح طبیعت گردی آشوراده: بزودی!

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست گفت: در مرحله انتخاب شرکت برای اجرای این طرح هستیم که امیدواریم به زودی یکی از دو شرکت تعیین شده انتخاب و کار اجرایی طرح آغاز شود که در این صورت وضعیت نابسامان گردشگری در مناطق ساماندهی می شود.

حسن اکبری روز گذشته با اعلام این خبر، افزود: آشوراده به عنوان اولین منطقه ای است که روش جدید طبیعت گردی در آن مطرح شد بر این اساس فراخوان گذاشته شد و دو شرکت برای همکاری اعلام آمادگی کردند و اکنون در مرحله بررسی هستیم.

وی ادامه داد: امیدواریم به زودی یکی از این شرکت ها انتخاب شوند، قرارداد منعقد و کار اجرایی طرح آغاز شود، با اجرای این طرح بدون شک باب جدیدی در زمینه ساماندهی و اکوتوریسم در مناطق که تقریباً نابسامان بود و همچنین در زمینه مشارکت بخش خصوصی در اجرای بخشی از برنامه حفاظتی فراهم می شود.

وی با تأکید بر اینکه اجرای چنین طرحی در زمینه اکوتوریسم برای اولین بار انجام می شود گفت: در یکی دو ماه اخیر دستوراتی را به صورت جامع به تمام استان ها ابلاغ کردیم که بر اساس آن امکان ورود سرمایه گذار برای اجرای طرح مدیریت مناطق به شکل مشارکتی فراهم می شود، وقتی یک طرح مدیریت در منطقه حفاظت شده اجرا شود یکی از بخش های مهم آن درآمدزایی از طبیعت گردی است یعنی در زون تفرج حالا چه تفرج متمرکز و چه تفرج گسترده سرمایه گذار می تواند بر اساس ضوابطی که تعیین می شود سرمایه گذاری کند و درآمدی که کسب می کند را هم در راستای ساماندهی گردشگری آن منطقه و هم بخشی را برای برنامه حفاظتی هزینه کند. اکبری درباره نحوه اسکان گردشگران در منطقه که بسیار هم بحث برانگیز شده بود توضیح داد: قرار نیست گردشگری در منطقه اسکان داده شود، در واقع برای اسکان موضوع این بود که در مجوزی که سال ۹۷ صادر شده بود مساله تفرج متمرکز در سایت ۲۲ هکتاری و اراضی ملی دیده شده بود یعنی اجازه اسکان با ۸۰ واحد شبانه داده شده بود که این کار با کارکرد زون تفرج متمرکز همخوانی نداشت و هم یک سری ایرادات قانونی بر آن وارد بود برای همین بود که طرح زمان بر شد اما خوشبختانه کارهای اصلاحی با همکاری بخش های مختلف از جمله استانداری گلستان انجام شد و بخش اقامت به مستثنیات در داخل روستای آشوراده منتقل شد تا اراضی ملی به این کار اختصاص پیدا نکند.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست اظهار داشت: بنابراین اسکان در قالب بوم گردی یا اکولوژی در روستا انجام می شود و در آن سایت ۲۲ هکتاری فعالیت های مجاز تفرج گسترده مانند بازدیدهای ساحلی و مسیریابی برای پیاده روی که نیاز به سازه های سنگین ندارد انجام خواهد شد. طرح طبیعت گردی آشوراده ۲۰ سال در کش و قوس اجرا گیر کرده بود که دولت سیزدهم با اخذ تدابیری مشکلات آنرا بررسی و سپس رفع کرد و اکنون این طرح بعد از گذشت دو دهه با رفع مشکلات فنی و حقوقی و تمدید مجوز ارزیابی زیست محیطی عملیاتی شده است.



عیدی کارمندان اوایل اسفند واریز می شود

داود منظور - رئیس سازمان برنامه و بودجه - از پرداخت عیدی کارمندان در روزهای ابتدایی اسفند ماه خبر داد و گفت: بر اساس منابع مصوب لایحه بودجه ۱۴۰۳ میانگین افزایش حقوق در سال آینده ۲۰ درصد است.

رویداد

سبز

امیرحسین غلامزاده نطنزی

ترسالی ایران کجارت؟ آسمان همان است، چرا امسال نبارید؟



تقریباً برابر با ۳۵ میلیمتر بود که این میزان در قیاس با یک سال قبل که ۴۷.۲ میلیمتر بود، ۶ درصد کاهش داشته است. این میزان بارندگی حتی در قیاس با زمستان سال قبل که با بارش برف همراه بود، کاهش نشان می دهد. اما به راستی چه اتفاقی در طبیعت ایران رخ داده که آسمان این کشور دیگر به مانند دو یا سه دهه قبل خون نعمت را بر مردم نمی گستراند؟

برای پاسخ به این پرسش نیاز است تا به دستکاری هایی که ما در طبیعت انجام دادیم نگاهی کنیم. برای مثال صنعت سد سازی اگرچه موجب رونق اقتصادی و رفاه می شود، اما باید دقت داشت که این رونق به دلیل آن که کل اکوسیستم طبیعت را بر می زند، بعد از گذشت دو یا سه دهه بسیار بدتر از قبل تاسیس سد می شود. یعنی شاید در ابتدای تاسیس سد، آب فراوانی در اختیار صنایع، بخش کشاورزی و خانگی قرار گرفته و موجب گسترش روزافزون این بخش ها بشود، اما این گسترش بعد از مدتی به دلیل پیشی گرفتن نیازها از منابع آبی با رکود و بعد هم با پسرقت مواجه می شود. این دقیقاً همان چیزی است که ما اکنون در رابطه با سد کرج، لتیان، لار، اکباتان، و ... در چند سال اخیر با آن روبرو بودیم. به گونه ای که حتی سد اکباتان تابستان امسال به دلیل خشکسالی بی سابقه کاملاً از مدار خارج شد.

زمانی که جریان آبی که در میلیون ها سال اکوسیستم یک منطقه را که موجب جذب رطوبت، باران و برف می شد، شکل داده بود در کمتر از دو یا سه دهه از بین می رود، دیگر منبعی برای تغذیه ابرها و در نتیجه بارندگی و ترسالی وجود ندارد.

همین وضعیت در رابطه با صنایع هم صادق است. زمانی که بیشترین تعداد کارخانه های تولید فولاد و ذوب آهن در خشک ترین مناطق ایران به بهانه اشتغالزایی مستقر می شوند و یا به همین بهانه کوه هایی که خود عامل جذب رطوبت هستند با معدن کاوی از بین می روند، کشاورزی غیر مدرن و بدون توجه به اقلیم کشور با حداکثر توان محصولات آبربر را کشت می کند، جنگل ها به بهانه های مختلف از بین می روند و از همه مهم تر فرهنگ استفاده درست از آب وجود نداشته و مدیریت هم نمی شود، نتیجه همان نباریدن آسمان است.

آسمان همان آسمان است و اگر قرار است، به مانند گذشته نعمت را بر ما ارزانی دارد باید از دستکاری بیش از حد در طبیعت خودداری کرد، جنگل ها و تالاب های از بین رفته را احیا کرد، صنایع را مجدد جایابی مناسب با مدیریت درست کرد و فرهنگ مصرف و مدیریت آب از مدارس و نظام آموزشی وارد سیستم فرهنگی ما شود.

آسمان همان آسمان است و اگر قرار است، به مانند گذشته نعمت را بر ما ارزانی دارد باید از دستکاری بیش از حد در طبیعت خودداری کرد، جنگل ها و تالاب های از بین رفته را احیا کرد، صنایع را مجدد جایابی مناسب با مدیریت درست کرد و فرهنگ مصرف و مدیریت آب از مدارس و نظام آموزشی وارد سیستم فرهنگی ما شود.

سراهن آب به ازای هر نفر و مخزن کل سدهای کشور، وضعیت به شیوه ای دیگر خودنمایی می کند که بسیار هم حیرت انگیز است. ظرفیت کل سدهای کشور ۵۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب است که حجم عمده آب مورد نیاز کشور از طریق آن ها تامین می شود. اگر جمعیت ایران در سال ۱۴۰۱ را که برابر با ۸۴ میلیون و ۵۵ هزار نفر است، با میانگین مصرف روزانه آب، قیاس کنیم درخواهیم یافت که بیش از ۲۵ میلیارد و ۲۱۶ هزار و ۵۰۰ لیتر، یعنی نصف حجم مخزن سدها، در صورتی که کاملاً پر باشند، به ازای جمعیت ایران آب مصرف می شود. البته باید در نظر داشت که تقریباً از سال آبی ۱۳۹۸-۹۹ این اتفاق رخ نداده و حتی فروردین امسال به طور میانگین تنها ۵۱ درصد از حجم مخازن سدهای کشور آبرگیری شده بود.

موضوع بعدی این که در این محاسبات آب مورد نیاز صنایع بزرگ و آبربری مانند فولاد و ذوب آهن - که بیشترین مصرف را دارند - و بسیاری از صنایع دیگر و حتی بخش کشاورزی در این محاسبات لحاظ نشده است.

چنین چیزی بدین معنی است که اگر بنا باشد تا همه آب مورد نیاز کشور تنها از سدها تامین شود، تحت هیچ شرایطی این میزان از آب پاسخگوی نیاز کشور نخواهد بود و چاره کار تنها در استفاده مفروض از آب های زیرزمینی، افت دشت های کشور و پدیده های به نام فرونشست و فروچاله و در نهایت خشکسالی سرسام آور است. از سوی دیگر و از آن جا که با توجه به فرونشست های عمده دیگر قدرت بازبایی و احیای بسیاری از منابع آب زیرزمینی وجود ندارد، بنابراین اگر بارش ها به صورت شبانه روزی ادامه داشته باشند بازم، تأثیر چندانی در کاهش مشکلات ناشی از خشکسالی ندارد.

چرا امسال آسمان ایران نبارید؟

با آغاز سال آبی پیش بینی های متعددی از وجود پاییز پر بارش در ایران خبر می دادند. اما هرچه به پایان این فصل نزدیک شدیم، نه تنها خبری از بارندگی نبود، بلکه از میانگین بلند مدت بارندگی ها در کشور هم کاسته شد.

به عنوان مثال میانگین بارندگی در پاییز امسال

پاوجود بارش های نسبتاً مستمر در بهمن ماه امسال، آسمان کشور در بیشتر ایام سال خشک بود و نگاه ها برای یافتن باران و برف از آسمان گرفته نشد. این سوال مطرح است که چه روندی بر اکوسیستم ایران گذشته که حتی برخی می گویند: آسمان بخل کرده اما باید گفت آسمان ایران همان است، علت را باید در رفتارهای فردی و جمعی خود و تصمیمات شهری و کشوری جویا شد.

دیگر تردیدی نیست که همه مردم از تغییرات محسوس آب و هوایی در کشور آگاه شده اند چرا که وجود گرما در زمستان و یا طولانی شدن سرما تا اواخر فصل بهار و اوایل تابستان چیزی است که همه ایرانیان با آن سرو کار دارند. این که هوایی با دمای تقریباً ۳۰ درجه در فصل زمستان در کشور ثبت شود چیزی است که با وجود دلچسب بودن آن، حامل مسایل و مشکلات متعددی است که اگر هر چه سریع تر برای آن اقدامی نشود، شاید دیگر نتوان چرخه طبیعت را به وضعیت نرمال آن بازگرداند و یا حداقل نزدیک کرد.

اگر آسمان شب و روز ببارد، بحران همچنان باقی است

از نیمه دوم بهمن ماه است که وضعیت هوا کمی به آنچه که باید در زمستان باشد، نزدیک شده و با وجود بارش های کم و بیش مناسب در برخی از مناطق این نوید را می دهد که احتمالاً خشکسالی در ایران تمام شده و آنچه که از تریبون های مختلف مبنی بر بحران آب در سال آینده خبر می دهند، در حد شایعه و بدبینی است.

اما باید گفت خوشبختانه یا متأسفانه واقعیت همان چیزی است که همه ما علاقه ای به شنیدن آن نداریم. خشکسالی سایه گسترده ای بر کشور داشته و نشانه های آن در همه جا به چشم می خورد. این که از ۶۰۹ دشت کشور بیش از ۴۰۰ دشت یعنی بیش از ۶۵ درصد با فرونشست و فروچاله روبرو هستند و منابع آبی کشور به شدت بحرانی است، مخازن سدهای کشورمان در برخی از مناطق مانند سد اکباتان در استان همدان در تابستان سال ۱۴۰۲ خالی شده و از مدار خارج می شود و ... همه نشان از این دارد که وضعیت آب و هوایی کشورمان حال و روز خوبی ندارد.

باید گفت حتی در همین زمستان که تا حدی بارندگی داشته و چون دیگر خبری از گرمای طاقت فرسای تابستانی و تشنگی انسان ها و طبیعت نیست، برخی به اشتباه گمان کردند که خطر خشکسالی از کشور رفع شده است. این در حالی است که خوشحالی بابت وضعیت بارندگی کنونی چندان به جا و مناسب نیست.

طبق آمار به دست آمده از سازمان هواشناسی کشور، از ابتدای سال آبی (اول مهر تا پایان شهریور سال بعد) تاکنون در کل کشور به صورت میانگین تنها ۶۰.۹ میلی متر بارندگی ثبت شده است. این آمار در قیاس با میزان بارش در سال گذشته یعنی ۱۴۰۱ و در این بازه زمانی ۱۰۳.۲ میلی متر بود، بنابراین بارش های سال جاری ۴۱ درصد کمتر از سال گذشته است.

اگرچه بارندگی های اواخر بهمن هم که به نسبت مساعد و قابل توجه بود باید به این آمار اضافه شود اما باید توجه داشت که این میزان از بارندگی در قیاس با برداشت آب از منابع آبی نه تنها مناسب نیست، بلکه بسیار ناگوار است.

به استناد آمار، در ایران هر نفر به طور میانگین ۳۰۰ لیتر آب در شبانه روز مصرف می کند، که این رقم مصرف آب، در برخی از کلان شهرها مانند تهران به بیش از این مقدار می رسد. مصرف نهان آب نیز به ازای هر نفر چیزی حدود ۶ هزار لیتر است که بیشترین حجم مصرفی آن مربوط به حمام می شود. با مقابله قرار دادن این حجم از بارندگی، مصرف

«امیر عبداللهیان» خطاب به گوترش:
**جامعه بین‌المللی نباید اجازه
قتل عام مردم رفح را بدهد**

وزیر امور خارجه کشورمان در نامه به دبیرکل سازمان ملل گفت: هرگونه حمله نظامی به رفح بدون شک مرحله دیگری از نسل‌کشی ملت فلسطین توسط اسرائیل خواهد بود. ضروری است که سیستم سازمان ملل در این مقطع حساس به وظایف خود عمل نموده و از جنایات گسترده بیشتر علیه فلسطینیانی که به رفح پناه برده‌اند، جلوگیری کند. به گزارش گروه سیاست خارجی ایرنا؛ حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به وقوع قتل عام ساکنان رفح توسط رژیم صهیونیستی هشدار داد. متن کامل این نامه به شرح زیر است:

جناب آقای آنتونیو گوترش؛ دبیر کل سازمان ملل متحد پیرو مکاتبات قبلی اینجانب در مورد تجاوز نسل‌کشی رژیم اشغالگر اسرائیل به نوار غزه، خود را موظف می‌دانم که بار دیگر مسئولیت سازمان ملل را در خصوص اقدام سریع و قاطعانه جهت توقف کشتار بیشتر مردم فلسطین برجسته نمایم. شمار فراوان افراد بی‌گناه کشته و زخمی شده و همچنین شدت تخریب در غزه در طول ۴ ماه گذشته ناشی از حملات بی‌وقفه به غزه، مدرک مشهودی از توطئه از پیش برنامه‌ریزی شده برای نابودی یک ملت، از جمله از طریق اخراج اجباری آن‌ها از فلسطین اشغالی است. تا تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۴، نزدیک به ۳۰۰۰۰ فلسطینی، که اکثر آن‌ها کودکان و زنان خردسال هستند، به طرز وحشیانه‌ای کشته شده، درحالی‌که بیش از ۷۰۰۰ نفر در زیر ساختمان‌های فروریخته مدفون مانده و بیش از ۶۰۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند. انتقام نسل‌کشی گونه اسرائیل به هیچ‌کس که در فلسطین اشغالی زندگی می‌کند رحم نکرده، زیرا بیش از ۸۵ روزنامه‌نگار و بیش از ۱۳۵ امدادگر آژانس امدادسانی و کاربایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک نیز به‌طور وحشیانه هدف قرار گرفته‌اند. رژیم اشغالگر با محروم کردن عامدانه مردم غزه از غذا، آب، کمک‌های بشردوستانه و دیگر منابع ضروری و غیرقابل زندگی نمودن غزه جهت بیرون راندن فلسطینی‌ها از غزه، عملیات نظامی کورکوانه خود را با کارزار قطعی بی‌رحمانه ترکیب کرده است. به‌سختی می‌توان این عمل را چیزی جز «نسل‌کشی» توصیف نمود.

عالیجناب، افزون بر ۱.۵ میلیون نفر که بیشتر آن‌ها آواره شده‌اند، در حال حاضر در شهر کوچک رفح در جنوب چپانده شده‌اند. همان‌طور که اخیراً بدرستی گفتید: «حمله همه‌جانبه به این شهر برای ۱.۵ میلیون غیرنظامی فلسطینی که در همین حال نیز در آستانه بقا هستند، ویرانگر خواهد بود». جامعه بین‌المللی نباید اجازه دهد چنین قتل‌عامی رخ دهد. هرگونه حمله نظامی به رفح بدون شک مرحله دیگری از نسل‌کشی ملت فلسطین توسط اسرائیل خواهد بود. ضروری است که سیستم سازمان ملل در این مقطع حساس به وظایف خود عمل نموده و از جنایات گسترده بیشتر علیه فلسطینیانی که به رفح پناه برده‌اند، جلوگیری کند. همان‌طور که دفتر کمیته اعمال حقوق تخطی‌ناپذیر مردم فلسطین ذیل مجمع عمومی در بیانیه مطبوعاتی خود در ۱۴ فوریه هشدار داد، هرگونه تهاجم نظامی به رفح «جان تعداد بی‌شماری از غیرنظامیان را که بسیاری از آن‌ها زن و کودکان هستند و تعداد تخمینی ۶۰۰۰۰۰ کودکانی که قبلاً چندین بار آواره شده‌اند، به خطر انداخته» و همچنین «دستور دادگاه مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴ صادر شده در چارچوب کنوانسیون نسل‌کشی را نقض می‌کند». سیستم سازمان ملل متحد و جامعه بین‌الملل باید برای توقف فوری و دائمی جنایات علیه فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری و همچنین پایان فوری آوارگی اجباری مردم فلسطین و دسترسی بدون مانع آن‌ها به کمک‌های بشردوستانه، به‌طور متحد عمل نماید. همه دولت‌ها از نظر قانونی و اخلاقی موظف به توقف و جلوگیری از نسل‌کشی ملت فلسطین هستند. سازمان ملل متحد باید از تمامی کشورهای عضو خود بخواهد که از همکاری با رژیم متجاوز اشغالگر که به‌منزله همدستی آن‌ها در ارتکاب جدی‌ترین جنایات بین‌المللی و مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن‌ها است، خودداری کنند. عالیجناب، لطفاً احترامات فائحه را پذیرا باشید.

چین حملات اسرائیل به رفح را محکوم کرد

«مائو نینگ» سخنگوی وزارت امور خارجه چین- حملات رژیم صهیونیستی به شهر رفح در جنوب غزه را به شدت محکوم کرد و خواستار آتش بس دائمی و فوری در این منطقه شد. وی اظهار داشت: پکن با هر اقدامی که به غیرنظامیان آسیب می‌رساند یا قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند، مخالف است و آن را محکوم می‌کند.

جامعه

داستان جلد

وقتی رنگ و لعاب «مسئولیت اجتماعی» بیانه گول‌زدن خودمان می‌شود؛

شواف محرومیت‌زدایی

نازیلا حقیقی / کارشناس ارشد مطالعات اجتماعی

تجربه نشان داده است که یک برنامه مسئولیت اجتماعی مدون و حساب شده می‌تواند مزایایی نظیر همراهی، اقبال و مشارکت مردم را به همراه داشته باشد و یک شرکت را در میان رقبا متمایز کند. چنین مزایایی به ندرت از طریق حرکت‌های نمایشی یا شواف، صدقه‌دادن و یا تامین مالی صرف به دست می‌آید.

پس از اجرای سال‌ها مسئولیت اجتماعی در کشور باید این سوال را پرسید چرا بسیاری از مناطقی که از سال‌ها پیش بعنوان مناطق محروم معرفی می‌شدند، هنوز هم در فهرست مناطق محروم هستند؟ با این ادعا که دولت‌ها آمدند و رفتند اما نه تنها موجب رفع محرومیت نشدند بلکه تعداد این مناطق روز به روز در حال فزونی است؟ آیا این موضوع بخاطر فقر مدیریتی و برنامه‌ریزی در کشوری است با منابع طبیعی بی‌شمار یا اینکه توسعه در جهان به حدی سرعت گرفته که هر چه می‌دویم به آن نمی‌رسیم؟ این یادداشت یک بازبینی به عملکرد ایفای مسئولیت اجتماعی در کشور است و پرداختن به این موضوع نو، که به تازگی نقل محافل، همایش‌ها و گردهم‌آیی‌های شرکت‌های دولتی و خصوصی تبدیل شده است.

در ابتدا باید دانست برنامه‌ریزی در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکتی چگونه انجام می‌شود؟ آیا برای اجرای پروژه مسئولیت اجتماعی سناریوی توسعه‌ای برنامه‌ریزی شده یا خیر؟ چگونه یک منطقه محروم باید مراحل توسعه را طی کند؟ و آیا برنامه‌ریزی برای یک منطقه محروم خاص، برای منطقه دیگر نیز کارایی لازم را دارد؟

با این پرسش‌ها می‌توان فهمید نیاز سنجی اجتماعی و برنامه‌ریزی مدبرانه برای اجرایی هر پروژه مسئولیت اجتماعی بسیار اهمیت دارد. نداشتن مهارت برنامه‌ریزی در حوزه مسئولیت اجتماعی سبب می‌شود که کارها شلخته و غیر هدفمند و از هم گسیخته انجام شود و در نهایت آن توسعه‌ای که دولت‌ها به دنبال آن هستند رخ ندهد. شاید کشور ما نیازمند یک طرح جامع مسئولیت اجتماعی است که نیازها و امکان‌های هر منطقه را به طور مجزا ببیند.

پروژه‌هایی که در زمینه مسئولیت اجتماعی تعریف می‌شود باید یک روایت داستانی در راستای هدف مشخص داشته باشد و بر مبنای یک سناریو هوشمندانه ارائه شود. جوامع کم‌برخوردار و محلی، هوشمند هستند و قدرت فهم بسیار بالایی دارند، بنابراین این فرق بین کار خالصانه و کاری که صرفاً جهت جلب رضایت (به نوعی رشوه) انجام می‌شود را به خوبی می‌فهمد. بنابراین، درست‌ترین شیوه اجرای مسئولیت اجتماعی یک روایت داستانی است که از یک نیاز سنجی منطقه‌ای شروع شده و با هدفمندی به یک هدف غایی توسعه‌ای، برای آن زیست‌بوم ختم می‌شود. در نهایت ارائه و اجرای یک پروژه مسئولیت اجتماعی نیازمند هوشمند در نظر گرفتن و شعورمندی جوامع محلی تحت پوشش است.

متأسفانه مفهوم مسئولیت اجتماعی را حتی بسیاری از مسئولان و مدیران نیز به خوبی درک نکرده‌اند و آن را با اقدامات خیریه‌ای اشتباه می‌گیرند و گاهی دولت‌ها وظایف و کارهای بر زمین مانده خود را که عمدتاً جزو زیرساخت‌های کشور محسوب می‌شود و می‌بایست از محل دریافتی مالیات از مردم و شرکت‌ها و همچنین محل فروش ثروت جامعه مانند نفت و گاز هزینه شود را به نام مسئولیت اجتماعی



در توسعه پایدار، تنها معرفی کردن کافی نیست و باید دید پروژه چه اثربخشی‌ای دارد. در صورتی که مسئولیت اجتماعی در سطوحی مافوق اعمال خیریه و موارد قانونی و همچنین صرفاً تبلیغاتی انجام شود، به این معنی است که آن اقدام در سطح اخلاق حرفه‌ای انجام شده است.

راهکارهای پایدار به ویژه مشارکت جوامع، کمک به خوداشتغالی، هدایت و توانمندسازی، ایجاد محیط زیست سالم، امنیت اقتصادی پایدار به مسئولیت اجتماعی بپردازند. منطقه‌ای توسعه می‌یابد که تک افراد آن منطقه توسعه را بخواهند و برای آن گام بردارند و نخستین قدم برای ایجاد خواست در جوامع و مناطق کم‌برخوردار، رویارویی مردم آن منطقه برای دیدن و شناخت نیازهای توسعه‌ای است.

در واقع مشارکت دادن شهروندان و لحاظ کردن آن‌ها در جهت ارتقای یک منطقه، به نوعی آموزش ماهیگیری به جای دادن ماهی به آن‌هاست که از مصادیق اولویت دار مسئولیت اجتماعی به شمار می‌رود.

شرکت‌ها و کسب کارهای فعال در محدوده مسئولیت اجتماعی (Corporate Social Responsibility) باید علاقه مند به فراتر رفتن از فرایند تأمین مالی باشند و شور، شغف و امید در دل جوامع محلی برای عمران و آبادانی مناطق خود ایجاد کنند. باید اذعان کرد که اگر یک شرکت بتواند مسئولیت اجتماعی خود را به یک مرکز هوشمند و هدفمند تبدیل کند و همزمان جوامع پیرامونی خود را ترغیب به رشد کند، احتمال بیشتری دارد که تأثیر خود را در بین جوامع عمیق‌تر کرده و

همراهی همیشگی مردم را با خود داشته باشد؛ همچنین گامی بزرگ در جهت توسعه پایدار و رفع محرومیت منطقه برداشته است که موجب می‌شود مسئولیت اجتماعی تأثیری مثبت بر تصویر کسب و کارش گذاشته و قدرتمندتر شود و همچنین بازگشت بسیار بیشتر از میزان سرمایه‌گذاری اولیه دریافت کند.

تجربه نشان داده شده است که یک برنامه مسئولیت اجتماعی مدون و حساب شده می‌تواند مزایایی نظیر همراهی و اقبال و مشارکت مردم، به همراه داشته باشد و یک شرکت را در میان رقبا متمایز کند. چنین مزایایی به ندرت از طریق صدقه‌دادن و یا تامین مالی صرف به دست می‌آید. بنابراین، خود را با کلمات رنگ و لعاب دار گول‌زنیم و بررسی کنیم اگر برنامه مسئولیت اجتماعی یک شرکت محدود به مدیر عاملی شود که تعهد به پاس کردن و تأمین منابع یک چک در یک مراسم خیریه دارد، در واقع آن شرکت یک برنامه مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار نداشته، اما قطعاً در مسیری بشردوستانه شرکت کرده است.

در پایان شاید نیاز است در زمینه مسئولیت اجتماعی نظارت بیشتری صورت گیرد و منابع مالی کشور در راهی مؤثرتر و حساب شده‌تر هزینه شود؛ مسئولان شاید باید از خود بپرسند ارزیابی تأثیرات پروژه‌هایی که تصویب می‌شود با میزان تأثیرگذاری آن بر روی توسعه پایدار مناطق نسبت مستقیم دارد یا خیر؟

اجرا می‌کنند.

بنابر این، می‌توان گفت کمک‌های صرفاً عام‌المنفعه به عنوان مسئولیت اجتماعی و حتی مردمی‌سازی به شمار نمی‌آید. از سویی دیگر نیز بسیاری از شرکت‌های خصوصی به حدی به سمت نوآوری در زمینه مسئولیت اجتماعی می‌روند و شواف این قضیه برایشان مهم است که شاهد آن هستیم یک یا دو سال پس از اجرای پروژه هیچ تعهدی بدان ندارند و اثربخشی و ارزیابی پس از اجرای پروژه را رها می‌کنند و صرفاً یک پروژه مسئولیت اجتماعی در قالب تبلیغ نشان تجاری شرکت خود در چشم همگان فرو می‌کنند.

در توسعه پایدار، تنها معرفی کردن کافی نیست و باید دید پروژه چه اثربخشی‌ای دارد. در صورتی که مسئولیت اجتماعی در سطوحی مافوق اعمال خیریه و موارد قانونی و همچنین صرفاً تبلیغاتی انجام شود، به این معنی است که آن اقدام در سطح اخلاق حرفه‌ای انجام شده است.

هدایت و تعریف پروژه‌های مسئولیت اجتماعی با ذهن بسته و فقیر موجب می‌شود مناطق محروم حتی به جای توسعه به یک برهوت تبدیل شود. به گونه‌ای که شاهد هستیم در یک منطقه راه و جاده، بیمارستان، مدرسه، ورزشگاه ساخته می‌شود اما احیای محیط زیست، آلودگی هوا، آب و خاک و سلامت و توانمندی انسان‌ها در آن مغفول می‌ماند و جوامع محلی را دچار معضله‌های اساسی می‌کند.

شرکتی که با فعالیت خود موجب تخریب اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی می‌شود و به ازای آن در معامله با قدرتمندان یک زمین چمن یا مدرسه و یا ... همسو با منافع شخصی، سیاسی یا تبلیغی می‌سازد، نگاه مسئولیت اجتماعی را به خیریه و نوعی رشوه اجتماعی تقلیل داده است.

محرومیت نسبی و تداوم مطالبات جوامع محلی از یکسو و محدودیت منابع مالی از سوی دیگر، باعث می‌شود به این فکر کنیم که چه میزان نیاز سنجی و پاسخگویی متناسب با مطالبات جامعه محلی انجام شده است؟ بنابراین پیشنهاد می‌شود، شرکت‌ها زیر نظر یک برنامه مدون و جامع با اتخاذ

«جوپ بول» -مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا- از معطل ماندن مذاکرات درباره از سرگیری اجرای کامل برجام که پس از مذاکرات فشرده دیپلماتیک در وین، به دلیل تعلل در تصمیم‌گیری و طرح درخواست‌های جدید از سوی ایالات متحده آمریکا به بن‌بست کشیده شد، ابراز تاسف کرد.



حضور حماسی مردم در انتخابات، عامل ناامیدی دشمنان...

از حضور امیدوارکننده تعاونگران در تمامی صحنه های سیاسی و اجتماعی تشکر کرد و گفت: بسیاری از مطالبات تحقق آن نیاز به مجلسی قوی دارد تا در جهت خواسته بخش کشاورزی و تعاونی ها گام برداشته دارد.

«عبدالرضا بازدار» اظهار کرد: شما تعاونگران حضور شجاعانه و ایثارگرانه ای در تمامی عرصه ها داشته اید و این را از جمله سرمایه های مهم نظام می دانم و ارزش افزوده بخش کشاورزی مربوط به تلاش شما فعالان این عرصه است.

وی تاکید کرد: بخش عمده ای از فعالیت‌ها معطوف با این مهم است که ما باید این ظرفیت‌های ملی را در حوزه قانون‌گذاری و مجلس پیگیری کنیم.

بازدار بیان کرد: حضور و مشارکت قشر کشاورزان و تعاونگران و فعالان این عرصه سبب تقویت و برون رفت از مشکلات خواهد شد و با ایجاد ستاد انتخابات حضور فعالی در این برهه و در زمینه انتخابات داشته باشید چرا که می‌توانند زمینه ساز تحولات آینده در این عرصه باشد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان البرز یادآور شد: عملکرد تولید در استان البرز در بسیاری از بخش ها بسیار بالا بوده و البرز را می‌تواند در حوزه تولید در بسیاری از بخش ها جزو استان‌های برتر کشور نامید.



قشر خاصی نیست و متعلق به همه مردم است. نقش روستاییان در همه عرصه های کشور بی بدیل است و ما سیاستگذار نقش بی بدلیل آن‌ها درمردمی سازی اقتصادی هستیم.

مطالبات بخش کشاورزی و تعاون نیازمند مجلسی قوی است

رئیس سازمان جهاد کشاورزی البرز در این جلسه

دیگر خلق شود. وی افزود: دشمن با انجام توطئه های مختلف در جهت مایوس کردن مردم قدم بر می‌دارد و همه ما وظیفه شرعی و قانونی داریم در راستای خدمت خالصانه و صادقانه به مردم با دوری کردن از دو قطبی کردن جامعه از این موضوع با تمام توان دوری کنیم و با وحدت مردم را برای حضور در پای صندوق های رای دعوت کنیم چرا که انتخابات برای

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری البرز با اشاره تاکید رهبر معظم انقلاب بر حضور حداکثری در انتخابات گفت: این حضور حماسی مردم موجب یاس و ناامیدی دشمنان می‌شود.

به گزارش «دنیای هوادار»، مرتضی ولی پوری، روز گذشته در آیین هم افزایی مشارکت در انتخابات و تجلیل از تشکل ها و تعاونی های برتر استان البرز اظهار کرد: سلامت، رقابت و تامین امنیت انتخابات باید نصب العین تمام متولیان این حماسه ملی در البرز قرار گیرد.

وی افزود: در سطح استان البرز رویکرد خوبی در این زمینه وجود دارد و می‌تواند همه به نقش های خود به خوبی بپردازیم ضمن اینکه تاکنون حدود ۲۴ نشست با حضور مسوولان استان در این زمینه برگزار شده است. ولی پوری با بیان این که در استان البرز حدود ۲۲ هزار نفر عوامل اجرایی در زمینه انتخابات به صورت مستقیم فعالیت دارند، بیان کرد: امیدواریم با همکاری و همراهی تمام اندرکاران امر انتخابات، آرای مردم به خوبی جمع آوری و زمینه حضور و مشارکت مردم به خوبی ایجاد شود چرا که هر قدر حضور و مشارکت مردم پای صندوق های رای بیشتر باشد توطئه های دشمن بیشتر خنثی خواهد شد.

وی تاکید کرد: مشارکتی که برای رهبر انقلاب در بحث انتخابات مهم است این است که یک حماسه بزرگ

توجه ویژه شورای شهر کرج به مناطق کم برخوردار؛

گلدشت، محله فراموش شده شهر، دیده شد

شورا باید در چارچوب قانون به مشکلات شهر و شهروندان بپردازد، اظهار داشت: نظارت بر حسن انجام کار اصلی‌ترین کاری است که اعضای شورا باید انجام دهند.

وی اظهار داشت: برخی از شهروندان و مراجعه‌کنندگان تصور می‌کنند اعضای شورا نیروی فراقانونی دارند و حرف آن‌ها برای مدیران حجت است!

عضو هیئت رئیسه شورای شهر کرج خاطرنشان کرد: اعضای شورا خادم مردم هستند و تنها وظیفه آن‌ها نظارت بر عملکرد مدیران است نه آنکه دستور بدهند و مدیران، چشم و گوش بسته آن‌را اجرایی کنند.

سعیدی سیرانی ادامه داد: مدیران مجموعه شهری از مدیران توانمند هستند که در چارچوب قانون و بدون نیاز به سفارش، در اجرای درست امور محوله تلاش می‌کنند.

وی گفت: باید این نگاه که اعضای شورا فراتر از قانون می‌توانند عمل کنند و به اصطلاح بالادست مدیران مجموعه شهری هستند، برچیده شود.

خواهد گرفت. علیرضا رحیمی در بخش دیگری از صحبت‌های خود از مجوز حفر چاه آب از طریق آیفو در این شهرک خبر داد و اظهار امیدواری کرد که آب و فاضلاب با استفاده از چاه و قنات موجود بتواند بحث مشکلات آب و آبیاری را برطرف کند.

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورا همچنین از عدم وجود حتی یک پارک، زمین ورزشی و سرانه فرهنگی در شهرک گلدشت یاد کرد و افزود: طی این بازدید و تصویب اعضای شورا حدود چهار هزار متر از ارضی موجود شهرداری برای ایجاد پارک، مجوز حفر چاه آب، بهسازی و جدولگذاری و آسفالت در برخی معابر شهرک جزیره‌پروژه های تصویبی در بودجه ۱۴۰۳ قرار گرفت.

مدیران شهری به‌قریب‌گویی اعضای شورا نیستند عضو شورای شهر کرج گفت: اعضای شورا وظیفه‌ای جز نظارت ندارند! حسین سعیدی سیرانی با اشاره به اینکه اعضای

شهر پیرو دعوت شهروندان خوب محله گلدشت به اتفاق دیگر اعضا، علیرضا سعیدی رئیس کمیسیون فرهنگی، محمد اسدیان رئیس مرکز پژوهش‌های شورا اسلامی شهر کرج، مدیر منطقه ۶ و معاونین منطقه همچنین با حضور جمع کثیری از شهروندان از این محله بازدید نمود و شهرک گلدشت را به عنوان محله فراموش شده دانست.

نایب رئیس کمیسیون تلفیق شورای اسلامی شهر کرج با اشاره به اینکه نزدیک چهار دهه است که این شهرک از حریم خارج شده و به محدوده شهری اضافه شده است، خاطرنشان کرد: در همین راستا رسیدگی جدی و خدمات رسانی به این شهرک اعم از جدول، آسفالت، سرانه ها و نگهداشت شهر با توجه به فاصله از مرکز شهر کم‌رنگ بوده است.

عضو شورای اسلامی شهر کرج عدم جلوگیری از تشکیل بافت غیر رسمی اراضی گلدشت را زنگ خطری برای مدیریت شهری دانست و گفت: اگر در شهرک گلدشت نظارت ویژه صورت نگیرد یک بافت غیر رسمی در اراضی اطراف مجموعه گلدشت شکل



علیرضا رحیمی ضمن تاکید بر توجه ویژه به حریم شهر و حفظ آن، عدم توجه به اراضی گلدشت و سرانه های خدماتی را زنگ خطری برای مدیریت شهری دانست. علیرضا رحیمی محمودآبادی عضو شورای اسلامی

سفر هفته گذشته به‌همراه وزیر راه و شهرسازی به استان قزوین شاهد فعالیت‌های خوب شهرداری قزوین در حوزه نوسازی مسکن بودیم و برای نخستین بار در استان قزوین تعاونی بازآفرینی شهری با مشارکت ساکنان بافت‌های فرسوده شکل گرفته است. آیینی با بیان اینکه در قالب این تعاونی چندین پلاک در بافت فرسوده تاریخی جمع شده که اقدام ارزنده‌ای به‌شمار می‌رود، افزود: اقدام دیگر در محله «هادی‌آباد» قزوین شکل گرفته که جزو سکونتگاه‌های غیررسمی این شهر محسوب می‌شود و جمعیت بالایی از ایثارگران در این منطقه ساکن هستند. وی ادامه داد: هفته گذشته به مناسبت ایام مبارک دهه فجر، خانه سلامت اجتماعی هادی‌آباد که با همکاری شرکت بازآفرینی شهری ایران و شهرداری احداث شده، افتتاح شد و به بهره برداری رسید. در این مرکز آموزش‌های شغلی در زمینه فناوری‌های نوین، توانمندسازی و مشاوره‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی به ساکنان ارائه می‌شود. به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی، اقدام مهم دیگر در این محله تملک ۲۵۰ واحد توسط بنیاد مسکن بود و شنبه گذشته کلنگ ساخت ۳۳۰ واحد مسکونی به زمین زده شد که پس از ساخت به‌شکل کلید به کلید در اختیار ساکنان قرار داده می‌شود.

۱۳۸۷ تصویب شد، گفت: در قانون ظرفیت‌های مناسبی در زمینه ثبت اسناد وجود دارد و به شهروندان اطمینان می‌دهیم که برای نوسازی و تجمیع از پشتوانه قانونی لازم برخوردارند. آیینی با یادآوری اینکه شهرداری‌ها می‌توانند بسته تشویقی متناسب با شرایط خودشان را تهیه و به تصویب کمیسیون ماده پنج برسانند، گفت: در این راستا به‌تازگی شهرداری بوشهر نیز بسته تشویقی خاص خودش را مصوب و ابلاغ کرده است، حتی برخی محلات نیز می‌توانند بسته تشویقی خاص خودشان را تدوین کنند. وی با اشاره به اینکه برخی معتقدند بسته تشویقی می‌تواند مغایر با طرح تفصیلی شهرها باشد، تصریح کرد: تدوین بسته‌ای تشویقی در کشورهای توسعه یافته با عنوان «بازتنظیم مجدد زمین» انجام می‌شود و موضوع جدیدی نیست؛ محلات نوسازی شده شهر همدان مثال خوبی برای این مورد است. مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با بیان تدوین بسته تشویقی بومی نوسازی مسکن در شهر بوشهر، از راه‌اندازی تعاونی بازآفرینی شهری در بافت تاریخی و فرسوده شهری قزوین برای نخستین بار خبر داد. معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه همکاری شهرداری‌ها در اجرای بسته ۱۹ بندی کالبدی روند رو به رشدی دارد، اظهار داشت: در

تدوین بسته تشویقی بافت تاریخی به کجا رسید؟

معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: اکنون آمار صدور پروانه در بافت‌های فرسوده به بیش از ۲۲۵ هزار واحد رسیده و پیش بینی بر این است تا پایان سال ۳۰ هزار واحد دیگر به بهره برداری می‌رسد. «محمد آیینی» در گفت‌وگویی عنوان کرد: این ۲۲۵ هزار واحد در ۶۲ هزار نقطه از کشور واقع شده است و اگر کار ویژه‌ای برای نما و هویت‌بخشی به این محلات انجام دهیم، تاثیرگذاری بسیاری خواهد داشت. بنابراین بسته ویژه‌ای را برای نما و منظر شهری در بافت‌های فرسوده در دست تدوین داریم و کسانی که این ضوابط را رعایت کنند مشمول تشویق‌های بیشتری خواهند شد.

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران بیان داشت: در کنار بسته تشویقی ۱۹ بندی، بسته تشویقی بافت تاریخی هم در دست تدوین است تا این گونه بافت‌ها از رشد و نوسازی عقب نمانند. وی با اشاره قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که در سال ۱۳۸۹ ابلاغ شد و نیز قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن که در سال



«قهرمان دوومیدانی المپیک لندن»:

مسابقات آسیایی اهمیت زیادی دارد

دارنده مدال طلای ماده پرش سه‌گام بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن از کشور قزاقستان گفت: مسابقات دوومیدانی داخل سالن آسیا اهمیت زیادی برای کسب سهمیه المپیک برای کشورها از جمله قزاقستان دارد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایرنا، اولگا ریپاکووا درباره سطح مسابقات دوومیدانی داخل سالن آسیا به میزبانی تهران، اظهار کرد: من قهرمان پرش سه‌گام در المپیک ۲۰۱۲ لندن، نایب قهرمان المپیک ۲۰۰۸ پکن و برنز المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو بودم و الان مدیر تیم ملی دوومیدانی قزاقستان هستم. خیلی خوشحالم که در ایران و در چنین مسابقات مهم آسیایی حضور دارم.

وی افزود: از فدراسیون دوومیدانی ایران برای برگزاری چنین رقابت‌هایی تشکر می‌کنم زیرا این مسابقات برای همه کشورها از جمله قزاقستان برای کسب ورودی سهمیه المپیک اهمیت زیادی دارد و هر ورزشکاری نیاز به ثبت رکوردهای خوبی دارد تا حضورشان در المپیک قطعی شود. قهرمان المپیک لندن ادامه داد: ورزشکاران در مسابقات داخل سالن آسیا تهران تجربه خوبی کسب می‌کنند و می‌خواهم از فضای خوب و صمیمانه‌ای که در این مسابقات وجود دارد از فدراسیون دوومیدانی ایران تشکر کنم. من مردم ایران را خیلی دوست دارم و ایرانیان بسیار میهمان‌نواز هستند.

وی یادآور شد: من دختری دارم که در دوومیدانی در رشته پرش طول در مسابقات مختلف شرکت می‌کند. او سن کمی دارد و در مسابقات داخل سالن آسیا تهران هم چهارم شد و به مدال نرسید اما خوشحالم که بهترین خود را در این مسابقات نشان داد و شرایط این مسابقات برای او خیلی خوب بود. من مربی دخترم نیستم فقط یک مادر و مدیر تیم ملی دوومیدانی قزاقستان هستم. ریپاکووا عنوان کرد: من برخی از مربیان ورزشکاران ایرانی را می‌شناسم و ایران مربیان خوبی دارد و با توجه به نتایج کسب شده در مسابقات دوومیدانی آسیا تهران، ورزشکاران دوومیدانی ایران عملکرد خوبی داشتند. فکر می‌کنم در آینده ایران ورزشکاران خوبی در مسابقات مختلف داشته باشد.

وی درباره سطح مسابقات پرش سه‌گام خاطرنشان کرد: مسابقات پرش سه‌گام ماده بسیار سخت و جذابی است. ورزشکاران این ماده باید خیلی قوی، سریع و باهوش باشند و سخت‌ترین تمرین کنند.



مردان تکواندوی ایران، بر بام ایستادند

ششمین دوره مسابقات تکواندو بین‌المللی جام ریاست فدراسیون جهانی با حضور ۳۹۲ تکواندوکار از کشورهای مختلف، در بخش مردان با قهرمانی تیم ایران به پایان رسید. تکواندوکاران کشورمان با کسب ۶ مدال طلا، یک نقره و یک برنز عنوان قهرمانی این رقابت را به نام خود ثبت کردند. قزاقستان با یک طلا و ۳ برنز نایب قهرمان شد و اردن هم با یک طلا روی سکوی سوم ایستاد.

شرایط فعلی فدراسیون

نشان می‌دهد سلسله

اصغرقلندری



جلسات مشورتی کمیته فنی فدراسیون والیبالی ایران را پایانی نیست و نظرات اعضای نشست مشورتی نیازمند بازنگری جدی است و از ظواهر چنین به نظر می‌رسد که حواشی؛ تمرکز آقای وحید مرادی و تیم ایشان را بهم زده است، حواشی که اگر مدیریت نشود، ماجرای های جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

آخرین خبر اعلام شده از سوی روابط عمومی فدراسیون خبر از دو گزینه برای هدایت تیم ملی دارد! سرپرست فدراسیون والیبالی در ادامه نشست کمیته فنی روز یکشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ (روزی که از قبل اعلام شده بود سرمربی تیم ملی معرفی خواهد شد) از همکاری هر پنج گزینه برای هدایت تیم ملی والیبالی مردان ایران خبر داد و به صورت دقیق توضیحاتی ارائه کرد و از اعضای کمیته فنی خواست تا نظرات خود را در خصوص هر پنج گزینه اعلام کنند، که هر یک از اعضای کمیته فنی نظر خود را در خصوص پنج گزینه اعلام شده اظهار و برگزیدگان آن‌ها را برای انجام مذاکره نهایی و امضای قرارداد به صورت کتبی اعلام کردند.

در پایان مقرر شد تا دکتر مرادی با توجه به اولویت بندی کمیته فنی با دو گزینه مذاکرات نهایی را جهت عقد قرارداد طی چند روز آینده انجام دهد و نام سرمربی تیم ملی والیبالی ایران در سال ۲۰۲۴ را اعلام نماید و قرارداد همکاری با ایشان را امضا کند.

در ادامه با اعلام دکتر مرادی سرپرست فدراسیون و تقدیر از عملکرد کادر فنی تیم های پایه که دارای انسجام و روحیه مثال زدنی تیمی بودند، با نظر کمیته فنی ادامه کار غلامرضا مؤمنی مقدم به عنوان سرمربی تیم ملی جوانان پسر، آرش صادقیانی به عنوان سرمربی تیم ملی زیر ۱۷ سال پسران، فاطمه شعبان خمسه به عنوان سرمربی تیم ملی نوجوانان دختر و پدیده بلوری زاده به عنوان سرمربی تیم ملی جوانان دختر را با اکثریت آراء تأیید کرد.

البته این انتصابات تازگی نداشت و اتفاق جدیدی نبود! ولی آنچه که حائز اهمیت است و خانواده والیبالی را نگران کرده معرفی سرمربی تیم ملی بزرگسالان است که گفته شده طی دو یا سه روز آینده از بین دو مربی دارای دو سبک متفاوت یکی را معرفی خواهند نمود که امیدواریم واقعیت داشته باشد و به سلسله جلسات تشریفاتی خاتمه داده شود. چرا که پس از گذشت بیش از ۷۰ روز به این نتیجه رسیدیم که اشکال کار از جایی شروع شده که

سرپرست فعلی فدراسیون دست نشانده آقای داورزنی است و سمعاً و طاعتاً اوامر ایشان را مو بمو به اجرا درمی آورند!

واقعاً دنیای عجیبی داریم تاچندی پیش بحث انتخاب سرمربی از بین چهار مربی خارجی و سعید معروف در میان بود اما با تشکیل جلسات مشورتی که بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و افراد غیروالیبالی که جهت دار و به طور مخفیانه نظر می دادند، نه تنها از چهار گزینه خارجی خبری نشد که نامی از مربیان داخلی هم برده نمی شد ولی اکنون حرف‌ها تغییر پیدا کرده و برای انتخاب نهایی سرمربی چند روز دیگری باید به انتظار بنشینیم تا به زعم مشاوران و کارشناسان تشکیل دهنده جلسات مشورتی یک مربی (کارنلدی) که توانایی هدایت تیم ملی بحران زده را داشته باشد به اهالی والیبالی معرفی کنند!

از چند سال پیش به این طرف کم کاری های فدراسیون والیبالی را بدون چشم پوشی از ضعف و ناکامی هایی که در اثر ندانم کاری‌های رئیس پیشین فدراسیون حاصل شده بود بر شمرده‌ایم که برخلاف گذشته خود توفیق چندانی در کارنامه شان به چشم نمی خورد! ولی مقامات مسئول در وزارت ورزش کمترین توجهی به کم کاری های فدراسیون که سبب ناکامی های متعدد تیم ملی شده بود نداشتند تا کار به اینجا کشیده شده است که برای انتخاب سرمربی تیم ملی باید ماه‌ها با وجود تشکیل جلسات متعدد به انتظار بنشینیم تا فردی از درون یا از برون را معرفی کنند!

در چنین شرایطی حق داریم سؤال کنیم اینگونه رفتار با تیم ملی والیبالی ایران که از اعتبار جهانی

ورزشی

توپ و تور

سلسله‌جلسات مشورتی کمیته فنی فدراسیون والیبالی را پایانی نیست؟

در انتظار تدبیر و امید!



برخوردار شده بود بی انصافی نیست؟ افتخارات از دست رفته را چگونه می خواهید باز گردانید تا تأثیر خود را در رنکینگ جهانی نشان دهند که با یک انتخاب نابجای سرمربی تیم ملی توسط آقای داورزنی تمام بافته‌ها پنبه شد و از رده هشتم رنکینگ جهانی به رده پانزدهم سقوط کردیم؟

آقای مرادی عملکرد سه ماهه جناب عالی نیز توهین و بی احترامی به استخوان خرد کرده های والیبالی بود! انتشار لیست اسامی مربیان خارجی که قادر به امضای قراردادشان نبودید به سرخه گرفتن اهالی والیبالی ایران محسوب می‌شود! شاید با وجود میل باطنی دست به چنین کاری زدید و تحت تأثیر فشارهای جانبی قرار گرفتید! اما یقین بدانید که سبقه مدیریتی خود را بار دیگر زیر سؤال بردید! مثل اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ در نخستین دوره بازی های کشور های اسلامی که جنابعالی رئیس فدراسیون شنا بودید و ناکامی شناگران کشورمان را به حضور تیم قزاقستان ربط دادید و گفتید: تیم قزاقستان مانعی بر سر راه موفقیت های شناگران ما بود و در نهایت نتوانستید انتظارات مقامات سازمان تربیت بدنی را برآورده کنید!

بنظر نگارنده هیچ دلیل منطقی برای انتخاب مرادی که فاقد تخصص در رشته والیبالی است و شناختی از مربیان خارجی و حتی داخلی ندارد برای سرپرستی فدراسیون والیبالی وجود نداشت، مگر بخاطر رفاقت و دوستی با آقای داورزنی رئیس سابق فدراسیون! باز هم به مصداق مثل معروف «صبر ایوب بیاید پدر پیر فلک را» صبر می کنیم تا روزی که عاقبت کار انتخاب سرمربی تیم ملی مشخص شود!

محبوبیتی شماره ۱۷ رم افزایش یافت

درخواست تمدید مادام‌العمر با سردار آزمون!

بابت اقدامی که هویسن انجام داده بود، عذرخواهی کرد. وقتی در پایان بازی از سردار درباره این کارش سوال شد، او در جواب گفت: «هواداران حریف خوشحالی هویسن پس از گل اول را دوست نداشتند و من تصمیم گرفتم یک جشن ساده را داشته باشم. می‌خواستم از آنها عذرخواهی کنم و به نظرم بیش از هر چیزی، احترام متقابل اهمیت دارد. می‌دانم که بازی در زمین حریف سخت است، اما باید خودمان را با شرایط وفق بدهیم و به برتری برسیم.» شماری از هواداران رم در پایان این دیدار در شبکه ایکس (توییتر سابق) نوشتند: با سردار آزمون مادام‌العمر تمدید کنید. او بابت خوشحالی هویسن عذرخواهی کرد. این یک حرکت کمیاب در این دنیاست.

در ترکیب اصلی رم قرار گرفت. البته نکته جالب این بود که روملو لوکاکو نیز در ترکیب حضور داشت تا سردار به همراه او زوج خط حمله رم مقابل فروزینونه را تشکیل دهند. از ابتدای بازی فشار زیادی از سوی هواداران فروزینونه روی بازیکنان رم وجود داشت که همین موضوع هم واکنش جنجالی دین هویسن را به همراه داشت. جایی که مدافع رم بعد از باز کردن دروازه حریف خوشحالی تحریک‌آمیزی داشت و همین مسئله خشم هواداران فروزینونه را چند برابر کرد. در نیمه دوم اما سردار آزمون با یک اقدام جالب تا حدی است ناراحتی را از دل هواداران حریف درآورد. آزمون بعد از زدن گل دوم رم خوشحالی خاصی انجام نداد و مهم‌تر اینکه رو به هواداران حریف

محبوبیت سردار آزمون در ایتالیا بعد از بازی دیشب به شکل قابل توجهی افزایش یافت. وقتی دنیهل دهروسی هفته گذشته صراحتاً اعلام کرد که با بازگشت سردار آزمون، باید روملو لوکاکو بیشتر استراحت کند، قابل پیش‌بینی بود که ستاره ایرانی را بعد از نیمکت‌نشینی مقابل فاینورد در ترکیب اصلی جالوروسی ببینیم. همین اتفاق هم افتاد و سردار دیشب در دیدار مقابل فروزینونه از ابتدا

«اگر خودتان آنچه را که می‌گویید به قوت احساس نکنید، اگر الهام‌گویی با فشار از روحتان بیرون نتراند، اگر دل‌های همه کسانی را که گوش به شما دارند با بیشترین شور و هیجان از پی خود نکشد، شما هرگز توفیقی بدست نخواهید آورد. پس در خودتان فرو بروید، ته مانده ضیافتی دیگر را هم بزنید و گرمش کنید و خورش مختصری از آن بسازید... از کیبه خاکستری که در آن می‌دمید، شعله‌ای ناچیز برجهانید!... آنوقت، اگر به دلتان می‌نشیند، می‌توانید از کودکان و بوزینگان انتظار تحسین داشته باشید. ولی اگر فصاحت گفتارشان از دل برنخیزد، هرگز نخواهید توانست بر دل دیگران اثر بگذارید.»

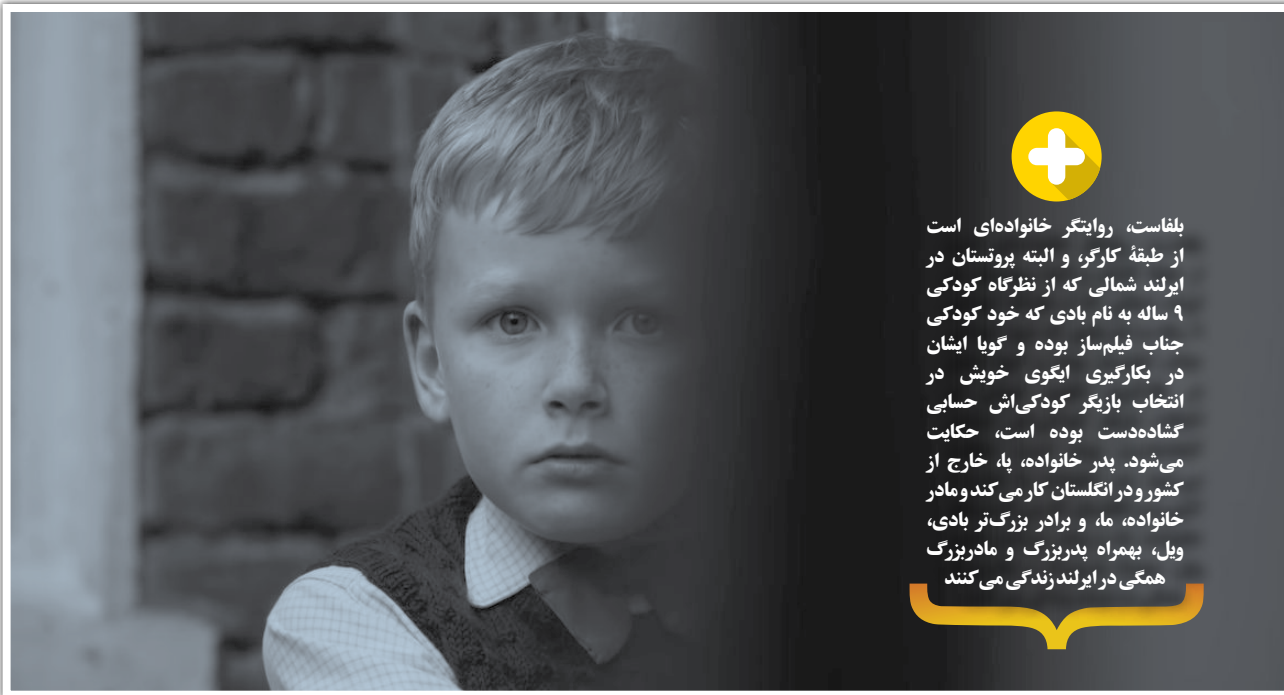
فاوست

هر متفکری (اگر فیلم‌ساز جماعت را متفکر بنامیم)، در آن حوزه فعالیت خود افقی را می‌گشاید که هم‌زمان امکان و عدم امکان را باهم در خود آستن است. در هر افقی فرصت‌هایی ممکن می‌شوند، و فرصت‌هایی دیگر ناممکن. هر دریچه و پنجره‌ای به‌سوی چشم‌اندازی مخصوص و البته محدود گشوده می‌شود. حال شاید کسی این ایراد و خرده را به کنت برانا بگیرد که چرا در رسم و ترسیم بزه‌های تاریک از تاریخ تشنج‌آمیز معاصر ایرلند، بویژه بلفاست، در آن میانه کشاکش‌های ایدئولوژیک دهه ششم سده بیستم، بجای اتخاذ رویکردی ناتورالیستی‌تر، که مترادف است با تصویری برهنه از واقعیت زشت و زنده آن روزگار، رویکردی چنین خیال‌گونه و طنانانه‌ای را در روایت زیست‌نامه‌ای و نوستالژیک خود از خانه و زادبومی که برای او از دست‌رفت پیش می‌گیرد. اما آنچه شاید در نگاه اول پنهان بماند این است که کنت برانا قصد ندارد در این فیلم در کسوت مورخ رفته و کودکی‌اش را به شکل تاریخ روایت کند، بلکه می‌کوشد تا آن را به‌عنوان منبع غنی الهام‌پذیری‌های هنری خویش از تجربه جادوی سینما به‌همراه خانواده گرفته تا پدربزرگی که مهربانی‌اش یادآور پدر ژیتو و مادربزرگی که آخرین جمله فیلم از اوست و آلفردوی سینما پارادیزو را به‌یادمان می‌اندازد - در زندگی‌اش به ما بشناساند. برانا تمام فیلم را از نقطه‌نظر یک کودک به‌نام بادی و در هیئت یک کودک خلق می‌کند و مقولات دیگر همچون خانواده و همسایه و دوست و محله و شهر را منطبق بر جهان‌بینی او می‌آفریند. افقی محدود و بسته از شرح حال و فضای حاکم بر آن دوران؛ برانا نه بلفاست بزرگی خلق می‌کند و نه علت و چرایی نزاع‌های ایدئولوژیک میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را جویا می‌شود، این‌ها برای یک کودک زیادی‌اند؛ تنها کوچه و محله‌ای کوچک با همسایگان‌اش، یک پدر و مادر، یک عشق اول و یک شک الهیاتی مختصر برایش کفایت می‌کند. انگیزه‌اش در این نوستالژی نه سوگواری برای گذشته، که ستایش از آن است برای شاید برگزشتن از آن.

بلفاست، روایتگر خانواده‌ای است از طبقه کارگر، و البته پروتستان در ایرلند شمالی که از نظرگاه کودکی ۹ ساله به نام بادی که خود کودکی جناب فیلم‌ساز بوده و گویا ایشان در بکارگیری ایگوی خویش در انتخاب بازیگر کودکی‌اش حسابی گشاده‌دست بوده است، حکایت می‌شود. پدر خانواده، پل، خارج از کشور و در انگلستان کار می‌کند و مادر خانواده، ما، و برادر بزرگ‌تر بادی، ویل، به‌همراه پدربزرگ و مادربزرگ همگی در ایرلند زندگی می‌کنند. در این بین اما، پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها از یک سو و اتحادیه‌گرایان و ملیون از سویی دیگر به دلایلی هم‌اکنون احمقانه پنجه به روی هم می‌کشند؛ شورش و طغیان در خیابان‌ها، انفجار ماشین‌ها، شلیک و صفیر گلوله‌ها، اینور و آنور افتادن جنازه‌ها از دوست و آشنا و همسایه و تلنبار شدن‌شان روی هم. از میان این‌هاست که بادی می‌بایستی راه خویش را از دل ویرانی و حیرانی بیابد.

تأملاتی بر فیلم «بلفاست»؛

تکه‌هایی از یک کل نامنسجم



بلفاست، روایتگر خانواده‌ای است از طبقه کارگر، و البته پروتستان در ایرلند شمالی که از نظرگاه کودکی ۹ ساله به نام بادی که خود کودکی جناب فیلم‌ساز بوده و گویا ایشان در بکارگیری ایگوی خویش در انتخاب بازیگر کودکی‌اش حسابی گشاده‌دست بوده است، حکایت می‌شود. پدر خانواده، پل، خارج از کشور و در انگلستان کار می‌کند و مادر خانواده، ما، و برادر بزرگ‌تر بادی، ویل، به‌همراه پدربزرگ و مادربزرگ همگی در ایرلند زندگی می‌کنند.

پدر او را گرفته و آن‌ها را بخاطر عدم همکاری‌شان در طرد کاتولیک‌ها تهدید می‌کنند، چنان این فصول تفاوتی معنادار با مابقی فضای ملموس‌تر قصه دارند که بعید بنظر می‌رسد اصلاً چنین تجربه‌ای در دنیای واقع روی داده باشد. در این میانه نماهای اکستریم فیلم‌ساز از پایین و بالای سوژه‌هایش (که حتی کارکرد زیبایی‌شناسانه هم ندارند) کمکی به احوال موقعیت‌ها نمی‌کنند. به‌همین سبب، تهدیدها پوشالی می‌نمایند و حتی آن دوئل خوش‌خوشک پایانی میان پدر و یای پروتستان که قرار بود کلایمکس داستان باشد، بود و نبودش برایمان فرقی ندارد. اما کارگردان همه‌جا چنین به امساک روایت نمی‌کند؛ او میل بسیاری به رفرنس دادن مستقیم و غیرمستقیم به فیلم‌های بی‌شماری دارد که گه‌گداری واقعاً نیازی به آن‌ها دیده نمی‌شود جز اشاره بیرونی فیلم‌ساز به شیفتگی‌اش به سینما. برای مثال هرچه گشتم ارتباطی میان «تک‌افتادگی» گری کوپر در نیمروز با موقعیت‌های داستانی فیلم نیافتم! توردفرانس لاینقطع موسیقیایی فیلم نیز لحظاتی از سکون و سکوت را از مخاطب دریغ می‌کند. اما کارگردانی فصول درخشانی نیز دارد؛ پدربزرگ از دنیا می‌رود و خانواده پس از به خاکسپاری او در مجلسی سراسر عبس مدام به رقص و شادمانی می‌پردازند، آن‌ها مرگ تلخ را پشت سر گذاشته و به شیرینی زندگی خوش‌آمد می‌گویند؛ آنجا که شیمی میان مادر و پدر به کمال مطلوب خود می‌رسد؛ یا سینما‌روی‌های دست‌جمعی خانواده نیز در یادها می‌مانند. اینجا دوربین برعکس زست‌های اغراق شده دیگرش منضبتر بوده و ناظرگونه بیشتر از آن‌که پرده سینما را نشان دهد، در نماهایی آی‌انگل قاب‌هایی خانوادگی از آن‌ها می‌گیرد که گویی همگی رو به دوربین یک عکاس لبخند می‌زنند. دیگر دستاورد مهم کنت برانا در بلفاست این است که با وجود سیاه‌وسفید بودن فیلم، بیننده از یک‌جایی به بعد، آن را رنگی می‌بیند یا حس می‌کند. مثل رویاهایی احضار شده از گذشته‌ای دور که دقیق نمی‌دانیم آن‌ها را رنگی تصور می‌کنیم یا سیاه‌وسفید. بلفاست اثری است صمیمی و کوچک، رو به زندگی و خانواده، که مسائل و دغدغه‌هایش، من‌جمله نزاع‌های ایدئولوژیک و مهاجرت و ترک دیار، آن اندازه که برای فیلم‌سازش جدی و تعیین‌کننده‌اند، برای مخاطب چنین نمی‌شوند.

جمعیت خشکش می‌زند و مادر برای بازپس گرفتن فرزند وارد معرکه می‌شود و با سر سطلی آشغال از خود و کودک‌اش مقابل سنگ و کلوخ و غیره دفاع می‌کند و او را به کمال امن خانه می‌رساند. اما فیلم‌ساز این اقدام مادر را سراسر با اسلوموشن‌هایی که خاصه سینمای ابرقهرمانی‌ست بازگو می‌کند؛ نمایشی «قهرمانانه» و درخور همان نگاه محدود فیلم‌ساز از مادر در آن بلبشوی غالباً مردانه؛ این مادر دست‌کم در چشم فرزندش یک قهرمان است. چنین تمثالی هراندازه که نیت زیبایی پشت آن باشد و صدق اعتقاد فیلم‌ساز را گواهی دهد، زمانی که هنوز نه کودک را شناخته‌ایم و نه مادر را، شاید عجولانه بنظر آید. (دو مرتبه این کاری است که فورد در ترسیم مادر هرگز انجام نمی‌دهد. برای او حضور مطمئن مادر در بک‌گراند‌هایش کافی است. حقیقت امر این‌که علت تشبیه این فیلم با آثار فورد را نمی‌فهمم). دیگر بن‌مایه‌های پررنگ در اثر، حضور گرم و محکم پدربزرگ و مادربزرگ، رفرنس‌های بی‌شمار به فیلم‌های کلاسیک و سینما، تهدیدهای گاه و بی‌گاه سرکرده اوباش پروتستان خطاب به پدر خانواده، موسیقی سرحال وان مورینسن، و فضای رعب‌آور الهیاتی کلیسا هستند. تلاش فیلم‌ساز بجز در یکی دو مورد، در خلق و پروراندن مابقی عناصر پیش‌گفته گاه کم و گاه زیادی بوده است. شمایل تقریباً ناشناس جودی دنج در کسوت مادربزرگ، گزنی، و کیارن هیندز در نقش پدربزرگ، پاپ، متین و غریزی هستند. آن‌ها به آسودگی هسته عاطفی فیلم را شکل داده و رابطه نامتعادل و پزنوسان پدر و مادر بادی میان بودن و نبودن را با ایستادگی رزنده‌اند خود باهم جبران می‌کنند. پیش‌تر نوشتیم که نبود یک پلات یا طرح منجمم در فیلم برای سروسامان دادن به متابولیسم طبیعی موقعیت‌ها به ناهمگنی کلی فیلم دامن زده است و از آنجایی که داستان وام گرفته از خاطرات آقای برانا آن غنای لازم را ندارد، این فصول تکه‌هایی از یک کل منسجم که با شکل‌دادن کلیت، جزئیات خود را نفی می‌کنند و در سیری دیالکتیکی از موقعیت خود فراتر می‌روند، نخواهند بود. از سویی دیگر، آقای کارگردان برای پُر کردن ۹۰ دقیقه خود ابداع‌گری نیز می‌کند؛ برای مثال گردن‌کلفتی در فیلم وجود دارد که هرازگاهی سر هر گوشه و نبشی یقه بادی یا

کنت برانا اینجا در پی چیست؟ او خانواده‌اش را می‌جوید، خانواده چه در معنای کوچک‌ترش با حضور پدر و مادر و بقیه، و چه در معنای بزرگ‌ترش با حضور همسایه و هم‌محله و هم‌شهر و هم‌زبان. دقیق‌تر بگویم، در پی افسانه‌سازی است؛ در پی خلق آذینی است رخسند و رنگین از این خانواده‌های کوچک و بزرگ و از معصومیتی کودکانه بر ظلمات آن دوران؛ مشابه آنچه جان فورد در شاهکار خود، «درة من چه سبز بود»، انجام داد. لیکن روایت رومانیتیکش از گذشته شاید همانند روایت فورد خالی از ترحم و مملو از سربلندی باشد، اما برعکس فورد، دور از جاه‌طلبی و خودشیفتگی نیست و گه‌گداری رگ خودنمایی و تظاهر جناب کارگردان می‌آماسد. او می‌خواهد بستری را مهیا سازد که در آن از همان جادویی که خود در کودکی و در سالن‌های سینما با فیلم‌های فورد و زینهمان چشیده است به مردم بچشاند و اینگونه معجزه سینما را تکوین کند. فیلم به‌شکل رنگی و با شات‌هایی معرف از بلفاست امروز با نماهایی توریستی از آن شروع می‌شود (کاری که فورد هرگز نمی‌کرد)، اما خیلی زود به چند دهه پیش‌تر فلش‌بک می‌زند و سیاه و سفید می‌شود. روایت سیاه و سفید فیلم و کنتراستی که با ایماژهای متقدم‌اش شکل می‌دهد مخاطب را نه‌تنها از حال و امروزش دور کرده و تا حدودی آن حس دوربودگی زمان و مکانی دیگر را می‌پروراند؛ بلکه گویی که بلفاست دیروز را در تفاوت و تضادی جوهری با بلفاست امروز نشان می‌دهد. پس از این آنچه می‌بینیم سلسله‌ای است از خاطرات بادی کوچک که پاره‌ای از آن‌ها خوشایند و پاره‌ای شوربخانه بیشتر از آنکه برای ما بیادماندنی باشند، برای خود آقای برانا به یادماندنی‌اند. خاطرات همگی واضح و زنده‌اند، اما راستش را بخواهید، هیچ پلاتی برای اتصال محکم آن‌ها به همدیگر در کار نیست، و این همان چیزی است که وبال گردن فیلم می‌شود و در ادامه مختصر به آن‌ها خواهیم پرداخت. سکانس مواجهه آغازین بادی با شورش پروتستان‌ها علیه کاتولیک‌ها، سکانس معارفه محله و همسایه‌ها و ایضاً مادر نیز هست. مادر فرزند را به خانه می‌خواند، همسایه‌ها نیز یک به یک خواست مادر را به گوش بادی می‌رسانند. بادی در راه بازگشت به خانه وسط

علت بیماری های دهان و دندان



تغییرات هورمونی



سیگار کشیدن و مصرف دخانیات



ابتلا به بیماری های عفونی مثل ایدز



رفلاکس معده



مسواک نزدن



دیابت



مصرف مکرر غذاها و نوشیدنی های شیرین